



وضع هشتم: از برای ضبط کردن هشت است؛ و آن خوابانیدن خنصر و بنصر است باهم. وضع نهم: و آن از جهت ضبط نه است؛ و آن خوابانیدن خنصر و بنصر و وسطی است باهم. لیکن در این سه وضع آخر سرهای انگشتان را باید قریب به بیخ انگشتان نگذاشت؛ بلکه انگشتان را بر کف منبسط کرد به نحوی که سرهای آنها برسد به رسغ که عبارت از برآمدگی است که متصل به زند است؛ یعنی مفصل میان کف و ساعد؛ یعنی ساق دست تا امتیاز میان این سه وضع و سه وضع اول حاصل شود.

وضع دهم: از جهت ضبط نمودن ده است؛ و آن گذاشتن سر ناخن سیابه است به بند اول ابهام به نحوی که حلقه منوری حاصل شود و سر ابهام از آن حلقه باشد. وضع یازدهم: از جهت ضبط بیست است؛ و آن گذاشتن ناخن ابهام است بر بند آخر؛ یعنی بند تحتانی انگشت سیابه لیکن باید ناخن ابهام را بر طرفی از این بند گذارد که برجانب انگشت وسطی است نه بر آن طرفی که بر جانب ابهام است به نحوی که سر ابهام ما بین بیخهای انگشتان سیابه و وسطی را فرو گرفته باشد؛ و وضع وسطی در اینجا مدخلیتی ندارد، بلکه به هر وضع که بوده باشد مانعی ندارد. وضع دوازدهم: از جهت ضبط نمودن سی است؛ و آن گذاشتن سر انگشت سیابه است بر سر ناخن آن بر ناخن انگشت ابهام از طرفی که به جانب سیابه است به نحوی که از وضع سیابه و ابهام هیأت قوس با وتر آن به هم رسد که قوس از سیابه بوده باشد و وتر از ابهام. و جایز است که نحوی گذاشته شود که انگشت ابهام اندکی منحنی شود به نحوی که وتر حاصل نشود.

وضع سیزدهم: از جهت ضبط نمودن چهل است؛ و آن گذاشتن باطن سر انگشت ابهام - یعنی باطن بند اول از آن - است بر پشت بند تحتانی سیابه به نحوی که ما بین آنها هیچ فاصله و فرجه‌ای نباشد. وضع چهاردهم: از جهت ضبط پنجاه است؛ و آن بلند کردن سیابه است با گذاشتن ابهام بر کف در محاذی سیابه.

وضع پانزدهم: از جهت ضبط نمودن شصت است و آن گرفتن ناخن ابهام است به باطن بند دوم سیابه همچنانکه متعارف است در انداختن سنگریزه از انگشتان.

وضع شانزدهم: از جهت ضبط هفتاد است؛ و آن بلند کردن ابهام است و گذاشتن باطن سر انگشت سیابه بر باطن سر آن یا بر باطن بند دوم آن به نحوی که همه ناخن آن بر بالای آن واقع شود.

وضع هفدهم: از برای ضبط هشتاد است؛ و آن بلند کردن ابهام است و گذاشتن طرف سر انگشت سیابه بر مفصل اول یعنی مفصل بالا. وضع هیجدهم: از برای ضبط نود است؛ و آن

گذاشتن سر ناخن سیابه است بر مفصل بند دوم ابهام.

و مخفی نماند که بعد از دانستن این اوضاع هیجده گانه که ضبط مفرداتی که از واحد تانود است به آن می شود چه از آحاد و چه از عشرات؛ از انضمام اوضاع متعلقه به آحاد به اوضاع متعلقه به عشرات ضبط اعداد مرکبه که ما بین ده و نود است می شود به این طریق که هرگاه خواهیم ضبط یازده مثلاً بکنیم، باید وضع واحد و وضع ده به عمل آید؛ یعنی خنصر خوابانیده شود و سر ناخن سیابه بر بند اول ابهام گذارده شود؛ و علی هذا القیاس هرگاه خواهیم ضبط نود و نه کنیم، باید وضع نود و وضع نه به عمل آید؛ یعنی سر انگشت خنصر و بنصر و وسطی خوابانیده شود بر کف به نحوی که سرهای آنها به رسغ برسد و سر ناخن سیابه بر مفصل بند دوم ابهام گذارده شود.

## فصل دوم

در اشاره به اوضاع هیجده گانه از دست چپ که به آنها ضبط صد می شود تا نه هزار و سایر آنچه متعلق به مقام است بدان که این اوضاع هیجده گانه که در دست چپ است بعینه آن اوضاع هیجده گانه ای است که در دست راست مذکور شد لیکن به اوضاع دست چپ - همچنانکه اشاره به آن شد - ضبط آحاد الوف و مات می شود؛ یعنی از اوضاع آحاد ضبط آحاد الوف می شود و از اوضاع عشرات ضبط مئات می شود به این طریق که: وضع اول که در دست راست از برای واحد بود در دست چپ از برای ضبط یک هزار است. و وضع دوم دست راست که از برای ضبط دو بود در دست چپ از برای ضبط دو هزار است. و همچنین تا وضع نهم که در دست راست از

### بسم الله الرحمن الرحیم و به توفیق

حمد پدید و شای پیچیده سزاوار فرید کار بست که ذاتش از میل حد مقدم میرات

وصفاتش از احسان مدینه و قرین است و در دیدنیهای رفعت پخت نشأت

روان انور و روح الطهر بجزیرت که در همه نیایه بر وجه جمع مهر و در دست

و سلام به پایان محضوس ال عباد است که حلقه عباد و امانه بلاندر سلوات

علیه و علیهم - چنین کید ذره اخوه مهدی بن اپی در که چون در دنیا

احادیث و خلد و کلمات عمده اخبار اشارت ضبط بعضی عدد در بطنی است

انگشتان شد و با همه دانستن تفصیل آن از لوازم مهارت و رساله منسوبی

که کاشف از همه اوضاع آن باشد بنظر رسید لهذا به امر قاصد رسید که درین رساله

تفصیل آن بیان شود تا در مقام احتیاج اشتباه از بر روی کسی بماند و حقیقت

در وضع این اوضاع است که چون بسیار احتیاج میشود بنسب اعداد که بنسب آن بنویسند

و امثال آن اشکالی دارد و همچنین ضبط آن از حفظ بدون علامتی صحیح است

لهذا عمده اندرین از هیأت انگشتان بطریق مذکور میشود از اعداد تازه ضبط

نموده اند با این طریق که هر چه صورت را وضع نموده اند از وضع انگشتان

پنجگانه دست راست از جهت ضبط یکی تا نود و نه و هر چه صورت از وضع انگشتان

دست چپ را نیز وضع کرده اند از جهت ضبط صد تا نه هزار و یک وضع خاص نیز

که مذکور خواهد شد جهت ده هزار قرار داده اند و این سوی رفعت اوضاع

ضبط واحد تا ده هزار را نموده اند و طریق اجمال آنست که خنصر که انگشت

سکیم بنامش

برای ضبط نه بود، در دست چپ از برای ضبط نه هزار است.

و وضع دهم که در دست راست از جهت ضبط ده است، در دست چپ از جهت ضبط صد است.

و وضع یازدهم که در دست راست از برای ضبط بیست بود، در دست چپ از جهت ضبط دویست است.

و علی هذا القیاس تا آنکه وضع هیجدهم که در دست راست از جهت ضبط نود بود، در دست چپ از برای نهصد است.

و کیفیت ضبط مرکباتی که در ما بین صد و ده هزار است، به نحوی است که اشاره به آن شد؛ یعنی باید هر مرکبی ضبط آن به اجتماع اوضاع مفردات آن بشود، مثل ۱- هر گاه خواهیم ضبط صد و یک بکنیم، باید وضع یک و صد به عمل آید؛ یعنی خنصر دست راست را خوابانیده و سر ناخن سبابه دست چپ بر بند اول ایهام آن گذارده شود.

و هرگاه خواهیم ضبط صد و یازده کنیم، باید سه وضع به عمل آید: دو از دست راست و آن وضع واحد و ده است به نحوی که مذکور شد و یکی از دست چپ و آن وضع صد است همچنانکه دانستی.

و هرگاه خواهیم ضبط یک هزار و یکصد و پنجاه و پنج کنیم، باید چهار وضع به عمل آید: دو از دست چپ و آن وضع هزار و وضع صد است و دو از دست راست و آن وضع پنجاه و وضع پنج است.

و بر این قیاس تا در ضبط نه هزار و نهصد و نود و نه، باید خوابانیده شود خنصر و بنصرو وسطی دست چپ بر کف به نحوی که متصل به رسغ باشد و گذاشته شود سر ناخن سبابه دست چپ بر مفصل بند دوم ایهام و خوابانیده شود خنصر و بنصر و وسطی از دست راست و گذاشته شود سر ناخن سبابه دست راست بر مفصل بند دوم ایهام.

پس به این اوضاع سی و شش گانه افراد و ترکیب ضبط جمیع اعدادی که از واحد تا نه هزار و نهصد و نود و نه است می شود.

و اما از برای ضبط کردن ده هزار، گذاشتن طرف سرانگشت ایهام است بر طرف سبابه به نحوی که ناخنهای آنها محاذی یکدیگر شوند به هر یک از دست راست و چپ که خواهد.

و اگر ضبط ده هزار در عرف قوم مختص باشد، به دست چپ ضبط ده هزار و نود و نه خواهد شد؛ به جهت آنکه ضبط ده هزار از دست چپ می شود و هر یک از واحد تا نود و نه که خواهیم به آن ضبط شود از دست راست گرفته می شود به نحوی که مذکور شد، بلکه بر ما فوق ده هزار و نود و نه تا نوزده هزار و نود و نه آنچه از الوف و احاد و عشرات است ضبط می توان کرد.

اما مات بیرون می رود؛ به علت آنکه متعلق به ایهام و سبابه دست چپ است که به آنها ضبط ده هزار شده و به این جهت کسی ما فوق ده هزار و نود و نه را اعتبار نکرده.

و همچنین هرگاه وضع ده هزار تخصیص داده

شود به دست راست، اگر چه از ما فوق ده هزار تا نوزده هزار و نهصد و نه ضبط می توان کرد، اما نظر به اینکه عشرات بیرون می رود به اعتبار اینکه متعلق به ایهام و سبابه دست راست است که ضبط ده هزار به آنها شده کسی اعتبار نکرده است.

و نیز باید دانست که اگر ضبط ده هزار مختص به دست چپ شود و عقود متعلقه به آن منعکس شود؛ یعنی عقودی را که در دست چپ از برای ضبط احاد الوف وضع شده بود، از برای مات وضع شود؛ و عقودی که از باری مات وضع شده بود، از برای احاد الوف وضع شود، ممکن خواهد بود که ضبط اعداد از یکی تا ده هزار و نهصد و نود و نه بشود؛ به جهت اینکه در این صورت ضبط ده هزار از انگشتانی که متعلق به احاد الوف است کرده ایم. پس انگشتانی که مات و عشرات و احاد متعلق به آن است، خالی از عایق اند.

لهذا می توانیم ضبط احاد و عشرات و مات نیز بکنیم از واحد تا نهصد و نود و نه بعل-اوه ده هزار ضبط تواند شد. مثلاً هر گاه خواهیم ضبط ده هزار و پانصد

و هفتاد و هفت بکنیم، از برای ده هزار، طرف سرانگشت ایهام دست چپ بر طرف سبابه گذاشته می شود؛ و از جهت ضبط پانصد، انگشت وسطی از دست چپ خوابانیده می شود به نحوی که سر آن نزدیک به بیخ آن گذاشته شود؛ و از جهت ضبط هفتاد، انگشت ایهام از دست راست بلند شود و باطن سر انگشت سبابه بر سر آن گذاشته شود؛ و از جهت ضبط هفت، انگشت خنصر از دست راست بر کف دست خوابانیده شود به نحوی که متصل به رسغ شود؛ و از آنچه مذکور شد ظاهر شد که قدر محقق در میان قوم از اعدادی که ضبط شده به عقود از واحد تا ده هزار است و علاوه نود و نه یا نهصد و نود و نه به آن نیز از احتمالات است و زیاده از این را احدی متعرض نشده و در کلام احدی تعرض به آن نیست. تم الکلام بتأیید الله سبحانه؛ والسلام علی من اتبع الهدی. قد کان ذلک ابتدائاً واختتاماً فی لیلۃ الجمعة سبع شهر صفر المظفر من شهر سنة ۱۲۳۲ مطابق سیچقان نیل.

باید هر مرکبی ضبط آن با اجتماع اوضاع مفردات آن بشود مثلاً هرگاه خواهیم ضبط صد و یک بکنیم باید وضع یک و صد بعل اید یعنی خنصر دست راست را خوابانید و سر ناخن سبابه دست چپ بر بند اول ایهام آن گذارده شود و هرگاه خواهیم ضبط صد و یازده کنیم باید سه وضع بعل اید دو از دست راست و آن وضع واحد و ده است به نحوی که مذکور شد و یکی از دست چپ و آن وضع صد است همچنانکه دانستی و هرگاه خواهیم ضبط یک هزار و یکصد و پنجاه و پنج کنیم باید چهار وضع بعل اید دو از دست چپ و آن وضع هزار و وضع صد است و دو از دست راست و آن وضع پنجاه و وضع پنج است و بر این قیاس تا در ضبط نه هزار و نهصد و نود و نه باید خوابانیده شود خنصر و بنصرو وسطی دست چپ بر کف به نحوی که متصل به رسغ باشد و گذاشته شود سر ناخن سبابه دست چپ بر مفصل بند دوم ایهام و خوابانیده شود خنصر و بنصر و وسطی از دست راست و گذاشته شود سر ناخن سبابه دست راست بر مفصل بند دوم ایهام و سبابه دست چپ بر طرف سبابه به نحوی که ناخنهای آنها محاذی یکدیگر شوند به هر یک از دست راست و چپ که خواهد و هرگاه وضع ده هزار تخصیص داده

۳۰